



واکنش‌ها به حمله هوایی ارتش و تلفات غیرنظامیان در هرات



دفتر ساحه‌ای کمیسیون مستقل حقوق بشر در غرب کشور، «گروه کاری حفاظت از غیرنظامیان» و بازمانده‌گان حمله‌ی هوایی اخیر در ولسوالی گذره هرات، خواهان بررسی چگونگی وقوع و مجازات عاملان آن هستند. عبدالقادر رحیمی، مسوول دفتر ساحه‌ای کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات، تلفات غیرنظامیان در نبردها میان حکومت و «مخالفان مسلح» را نگران‌کننده دانسته و می‌گوید طرف‌های درگیر جنگ، نباید غیرنظامیان را آماج قرار دهند. او تصریح می‌کند، بر اساس قوانین بین‌المللی، جان و مال افراد غیرنظامی باید در امان باشد، اما بررسی رویداد ولسوالی گذره و مشخص کردن مقصر وارد شدن تلفات به غیرنظامیان دشوار است و نیازمند بررسی میدانی می‌باشد. برخی منابع معتبر، در صحبت با صبح می‌گویند، در هنگام حمله هوایی ارتش در ولسوالی گذره، برخی اعضای طالبان نیز در محل حضور داشته‌اند. به گفته‌ی منابع، طالبان با جنگ‌افزارهای گوناگون، در کنار غیرنظامیان برای دیدار با ملا غلام‌نبی، فرمانده این گروه که از...

۲



پیگیری گزارش حیفومیل شدن بودجه کرونا؛

پای مقام‌های صحنی و محلی به دادگاه کشیده خواهد شد؟

۳

صوفی مشربانی که بنیاد گرا شدند

۴

رییس جمهور در انحصار یک حلقه‌ی خاص

محمدشرف غنی، رییس جمهور کشور، در دوران ریاست جمهوری‌اش در حکومت وحدت ملی، نام امیر امان‌الله خان را در موارد مختلف به کار برد. او باری گفت که فصل ناتمام امان‌الله خان را تکمیل خواهد کرد. او حتا پشت میزی می‌نشیند که روزگاری امیر امان‌الله خان از آن استفاده می‌کرد.



دشواری توسعه سیاسی در افغانستان: تقابل دولت مرکزگرا و جامعه مرکزگرای



مطالعه‌ی گسست و پیوست دولت و جامعه در افغانستان قاعدتاً موضوع مورد علاقه‌ی انسان‌شناسان بوده است. در حالی که مؤرخان و سیاست‌شناسان اکثراً علاقه‌مند پژوهش دولت‌سازی از منظر مناقشات حاکمان، سیاست رسمی و...

۵

درگیری بین دولت و طالبان بر سر تصرف معدن لاجورد کران و منجان وارد سومین روز شد

۸ صبح، کابل: درگیری بین نیروهای دولتی و طالبان بر سر تصرف معدن لاجورد کران و منجان در ولایت بدخشان وارد سومین روز شد. ثناءالله روحانی، سخنگوی پولیس بدخشان روز شنبه، چهارم اسد، به روزنامه ۸ صبح گفت که گروه طالبان سه روز پیش از چندین جناح برای تصرف معدن لاجورد در ولسوالی کران و منجان حمله کرده است. روحانی افزود که درگیری‌ها بین نیروهای امنیتی و طالبان که پس از حمله این گروه آغاز شده بود تاکنون جریان دارد. سخنگوی پولیس بدخشان افزود که نیروهای کمکی به ساحه اعزام شده‌اند و در حال حاضر درگیری در منطقه «منجان» بین دو طرف ادامه دارد. به گفته روحانی، به دلیل این که شبکه‌های مخابراتی در ولسوالی کران و منجان به صورت درست کار نمی‌کند، جزئیات از تلفات دو طرف درگیری مشخص نشده است.

سخنگوی پولیس بدخشان افزود که هدف گروه طالبان تصرف معدن لاجورد کران و منجان است، اما نیروهای امنیتی مانع تصرف این معدن شده‌اند. ثناءالله روحانی تأکید می‌کند که با رسیدن نیروهای کمکی، وضعیت به نفع نیروهای دولتی تغییر خواهد کرد. معدن لاجورد بدخشان که در ولسوالی کران و منجان بدخشان موقعیت دارد، در ۲۵ ماه سرطان سال گذشته به دنبال حمله‌ی گروهی طالبان به دست این گروه سقوط کرد. به دنبال آن طالبان مرکز ولسوالی کران و منجان را نیز سقوط دادند.

نیروهای امنیتی پس از حدود دو ماه با حمایت قیام‌های مردمی موفق شدند که اداره این ولسوالی را در بیستم ماه سنبله دوباره از نزد طالبان پس بگیرند. درگیری بر سر تصرف معدن کران و منجان بدخشان از چند سال به این سو جریان دارد. در گذشته به دلیل درگیری دو فرمانده محلی برای تصرف این معدن، شماری کشته و زخمی شده بودند. در کنار رقابت‌های فرماندهان محلی گروه طالبان نیز در گذشته چند بار معدن کران و منجان را تصرف کرده است.

عبدالله به نام حکومت وحدت ملی شکل گرفته شده بود، سبب نفاق ملی شد، اما حکومت مشارکت ملی باعث تشتت ملی شده است. رییس پیشین امنیت ملی هم‌چنان گفت که بی‌اعتمادی ملی به اوج خود رسیده است. او از «حکومت سایه» در درون حکومت یاد کرد و گفت که مردم حق دارند در این مورد بپرسند. نبیل افزود که «موریانه» در درون نظام جای گرفته و به صورت سیستماتیک مصروف فساد است.

رحمت‌الله نبیل ادعا می‌کند که تبعیض نژادی، قومی و مذهبی در حکومت به رهبری محمدشرف غنی و عبدالله عبدالله بیداد می‌کند. رییس پیشین امنیت ملی از تفرقی اجمل احمدی به عنوان سرپرست بانک مرکزی یاد کرد و گفت که مردم در این مورد تشویش دارند و نحوه مقرر شدن او به این تشویش دامن زده است.

نبیل افزود: «در مورد تفرقی افراد، مردم افغانستان شک دارند. در مورد رییس بانک مرکزی افغانستان مردم شک دارند. چگونه تفرش‌شان شک دارند. به مردم افغانستان معلومات بدهید.» به گفته او، مردم باور دارند که تفرقی او برای سفید کردن پول‌های سیاه مقرر شده است.

رحمت‌الله نبیل با برشمردن این موارد هشدار داد که «نظام» در حال ضعیف شدن است و باید برای تقویت آن اقدام کرد. رییس پیشین امنیت ملی گفت که اگر وضعیت به این شیوه ادامه پیدا کند، افغانستان به مرکز تقابل کشورهای منطقه و جهان مبدل خواهد شد. نگرانی‌های این مقام پیشین امنیت ملی در حالی مطرح می‌شود که تلاش‌های نفس‌گیر برای شروع مذاکرات بین‌الافغانی در چند ماه گذشته تاکنون نتیجه‌بخش نبوده است. در آخرین مورد طالبان برای شروع مذاکرات پس از عید قربان به صورت مشروط اعلام آماده‌گی کرده‌اند. شرط گروه طالبان رهایی ۶۰۰ زندانی این گروه از بند دولت است؛ زندانیانی که دولت می‌گوید به دلیل ارتکاب جرایم جنایی قانون اجازه رهایی آن‌ها را نمی‌دهد.

رحمت‌الله نبیل:

صلح ما نیابتی شده است



که او برای منافع کشور خود کار می‌کند. به گفته آقای نبیل، مردم افغانستان حق دارند که درباره تلاش‌های صلح خلیل‌زاد شک کنند و در مورد آن بپرسند.

رییس پیشین امنیت ملی تأکید کرد که نباید افغانستان قربانی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شود. آقای نبیل در این نشست از سیاسیون کشور نیز انتقاد کرد و گفت که با وجود درک خطرات، وضعیت را به مردم افغانستان تبیین نکرده‌اند. او هم‌چنان گفت برخی از سیاسیون نیز تهدید شده است که اگر با تصمیماتی در روند صلح مخالفت کنند، با نیروهای ویژه امریکایی سرکوب می‌شوند.

رییس پیشین امنیت ملی از جانب دیگر می‌گوید که به گروه طالبان در جریان این دو سال اخیر مشروعیت گسترده داده شده است، به نحوی که آن‌ها فکر می‌کنند با جنگ دوباره بر افغانستان تسلط پیدا می‌کنند. آقای نبیل به عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی، پیشنهاد کرد که به صورت مستقیم و از مجرای غیررسمی و با شمولیت اعضای مجلس نماینده‌گان با گروه طالبان وارد مذاکره شود. او افزود که فرمول صلح کنونی نتیجه نمی‌دهد.

از سویی هم رحمت‌الله نبیل می‌گوید که جناح حکومت نیز دچار اختلاف درونی است و این بر پیچیده‌گی وضعیت کنونی افزوده است. به گفته او، حکومتی که بین محمدشرف غنی و عبدالله

رحمت‌الله نبیل، رییس پیشین ریاست عمومی امنیت ملی می‌گوید که افغانستان قربانی جنگ نیابتی بود، اما اکنون روند صلح نیز نیابتی شده است.

رییس پیشین امنیت ملی روز شنبه، چهارم اسد، در یک نشست خبری گفت که مردم افغانستان در روند صلح «دخاله و اشتراک» ندارند و روند صلح تاکنون نیابتی بوده است و دیگران درباره سرنوشت صلح افغانستان تصمیم می‌گیرند. رحمت‌الله نبیل افزود که مردم افغانستان حق دارند بپرسند که چرا با سرنوشت‌شان به نام صلح معامله می‌شوند و این پرسش نباید به معنای دشمنی با صلح تلقی شود.

رییس پیشین امنیت ملی در این نشست خبری دو تعریف از صلح ارائه کرد و بین «صلح واقعی» و «صلح به معنای معامله» تفکیک قایل شد. به گفته او، همه‌ی مردم افغانستان خواهان برقراری صلح واقعی‌اند. او از جانب دیگر خواهان برخورد «هوشیارانه» با معامله‌ای زیر نام صلح شد.

نبیل روند جاری صلح را «صلح سیاسی و اقتصادی» برای برخی افراد و کشورها توصیف کرد و گفت که برای این ادعا اسناد نیز دارد. او از کشور مشخصی نام نبرد، اما گفت که برای پاکستان در روند صلح افغانستان حق ویتو و امتیازهای ویژه داده شده است. رحمت‌الله نبیل درباره تلاش‌های زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان، نیز اظهار شک و تردید کرد و افزود

کدام صلح؟



با رهایی زندانیان طالبان از زندان‌های حکومت افغانستان، گفت‌وگوهای صلح یا همان پروسه‌ی صلح به قول طالبان پس از عید قربان آغاز می‌شود. صلح، مفهومی که در روابط میان فردی از آن به عنوان آرامش و نبود خشونت یاد می‌کنند ولی در معنای گسترده‌تر به ویژه در مسایل اجتماعی، صلح به فرایند شکل‌گیری ثبات و توازن قدرت در جامعه گفته می‌شود.

۷



واکنش‌ها به حمله هوایی ارتش و تلفات غیرنظامیان در هرات



به آتش بس فکر کنید

دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد برای افغانستان (یوناما) خواستار آتش بس در روزهای عید قربان در کشور شده است. دفتر مطبوعاتی معاونت اول ریاست جمهوری افغانستان از این خواست یوناما استقبال کرده، اما ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، می‌گوید هنوز زود است که در این مورد تبصره کند. واقعیت این است که گفت‌وگوهای صلح در افغانستان طی یک سال گذشته به پیمان‌های زیادی پیش‌رفت داشته است، اما اخیراً و در پی تشدید حملات طالبان، حکومت افغانستان نیز حملات هوایی سنگینی را علیه این گروه در مناطق مختلف افغانستان آغاز کرده است. به نظر می‌رسد سیاست جنگی طالبان نسبت به ماه‌های گذشته تغییر یافته است. طالبانی که تا به آتش بس و یا کاهش اعلام نشده‌ی خشونت‌ها نیز تن داده بودند، سنگین‌ترین حملات خود را در هفته‌های اخیر آغاز کرده‌اند. حکومت افغانستان بارها خواستار کاهش خشونت‌ها توسط طالبان شده؛ تقاضایی که طالبان در همه این مدت آن را نادیده گرفتند.

بزرگ‌ترین دلیلی که ظاهراً گفت‌وگوهای صلح را به تاخیر انداخته، طولانی شدن روند آزادسازی زندانیان طالبان است. حکومت ۴۴۰۰ زندانی طالبان را آزاد کرده و گفته است که ۶۰۰ زندانی دیگر طالبان، دوسیه‌هایشان وصف جرمی دارد و طالبان باید فهرست دیگری را در اختیار حکومت قرار دهند. طالبان اما بر رهایی ۶۰۰ نفری تأکید دارند که قبلاً فهرست‌شان را به حکومت سپرده بودند. واقعیت این است که رسیدن به صلح با بهانه واهی و کوچک ممکن نیست. رهایی زندانیان بهانه‌ای بود برای ایجاد اعتماد میان طالبان و حکومت. این اعتماد با رهایی ۴۴۰۰ زندانی باید شکل می‌گرفت. طالبان که حالا نقش خود را در آینده سیاسی افغانستان جست‌وجو می‌کنند، باید به قوانین حقوقی و جزایی احترام بگذارند. عدم رهایی ۴۰۰ زندانی از میان ۵۰۰۰ زندانی ارزش مختل شدن روند صلح را ندارد. جنگ افغانستان طی نیم قرن گذشته صدها هزار انسان را کشته، میلیون‌ها تن را زخمی ساخته و هزاران خانواده را مهاجر کرده است. برای عبور از چنین وضعیتی، حکومت و طالبان، هر دو به صبر و استقامت استراتژیک نیاز دارند. در غیر آن با حل شدن موضوع ۴۰۰ زندانی، ممکن است طی روزها و هفته‌های آینده، سدهای کلان دیگری در مسیر گفت‌وگوهای صلح، پیش روی طرفین گفت‌وگوکننده قرار بگیرد.

به هر حال، در اواخر هفته جاری، عید قربان فرا می‌رسد. برای طالبان و حکومت افغانستان، عید فرصت خوبی است که دوباره به آتش بس فکر کنند. واقعیت این است که طالبان از «هفته کاهش خشونت‌ها» به این سو مشروعیت نسبی سیاسی کسب کرده‌اند. کاهش خشونت‌ها باعث شد که ایالات متحده آمریکا آنان را به عنوان یک گروه شبه‌نظامی به رسمیت بشناسد و با آن‌ها وارد یک پیمان کلان سیاسی شود. اگر طالبان به جای کاهش خشونت، استراتژی خشونت‌طلبانه خود را دنبال می‌کردند، بعید بود که دارای مشروعیت نسبی سیاسی شوند و یا ایالات متحده آمریکا با آنان قرارداد صلح رسمی عقد کند؛ به این معنا که رسیدن به خواست‌های سیاسی تنها از طریق گفت‌وگو میسر است و هیچ گروهی با توسل به زور و از راه جنگ به پیروزی مطلق دست نیافته است.

طالبان اگر می‌خواهند در قدرت سیاسی افغانستان نقش مستقیم داشته باشند، به جای یک گروه جنگ‌جو و جنگ طلب باید به بازی‌گران سیاسی ماهری بدل شوند. سازمان ملل متحد اخیراً خواستار توقف خشونت‌ها در افغانستان شده است. طالبان اگر می‌خواهند در آینده سیاسی افغانستان به عنوان بازی‌گر نقش داشته باشند، باید هم‌سو با نهادهای معتبر بین‌المللی دست از خشونت بردارند.

طالبان باید افکار عمومی را بررسی کنند. آن‌ها باید بدانند که بخش کلانی از افکار عمومی، این گروه را همراهی نمی‌کند. آنان باید بدانند که دهه ۹۰ خورشیدی با دهه ۷۰ تفاوت‌های چشم‌گیری دارد و سرکوب مردم راه به جایی نخواهد برد و رسیدن به منافع یک جریان سیاسی از میله تفنگ امکان‌پذیر نیست. حالا که تمامی گام‌های ضروری برای آغاز مذاکرات بین افغانان از سوی حکومت افغانستان و کشورهای همکار با حکومت افغانستان برداشته شده است، نیاز است که طالبان نیز کرنش نشان دهند و به آتش بس دائمی برای رسیدن به یک توافق جامع سیاسی فکر کنند.

دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر در غرب کشور، «گروه کاری حفاظت از غیرنظامیان» و بازمانده‌گان حمله‌ی هوایی اخیر در ولسوالی گذره هرات، خواهان بررسی چگونگی وقوع و مجازات عاملان آن هستند.

عبدالقادر رحیمی، مسوول دفتر ساحه‌ای کمیسیون مستقل حقوق بشر در هرات، تلفات غیرنظامیان در نبردها میان حکومت و «مخالقان مسلح» را نگران‌کننده دانسته و می‌گوید طرف‌های درگیر جنگ، نباید غیرنظامیان را آماج قرار دهند.

او تصریح می‌کند، بر اساس قوانین بین‌المللی، جان و مال افراد غیرنظامی باید در امان باشد، اما بررسی رویداد ولسوالی گذره و مشخص کردن مقصر وارد شدن تلفات به غیرنظامیان دشوار است و نیازمند بررسی میدانی می‌باشد. برخی منابع معتبر، در صحبت با ۸ صبح می‌گویند، در هنگام حمله هوایی ارتش در ولسوالی گذره، برخی اعضای طالبان نیز در محل حضور داشته‌اند. به گفته‌ی منابع، طالبان با جنگ‌افزارهای گوناگون، در کنار غیرنظامیان برای دیدار با ملا غلام‌نبی، فرمانده این گروه که از زندان بگرام رها شده بود، در محل حضور یافته بودند.

وابسته‌گان قربانیان این رویداد، بخش‌های کشفی و اطلاعاتی حکومت را به ازای‌هی اطلاعات غیرواقعی و غفلت وظیفه‌ای در پیوند به آن متهم می‌کنند. محمد صادق، از اقارب قربانیان، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید باید هیأتی برای بررسی حادثه به محل وقوع آن سفر کند. او ادعا می‌کند، برخی اجساد قربانیان به تازه‌گی پیدا شده و شمار کشته‌گان به ۱۵ تن افزایش یافته است. وابسته‌گان قربانیان و بازمانده‌گان تأکید دارند، هیأتی که برای بررسی رویداد مشخص می‌شود، باید نتایج کارش واضح باشد و عمل کرد آن برای فریب دادن مردم پذیرفتنی نیست.

نجیب‌الله حبیبی، عضو گروه کاری حفاظت از غیرنظامیان در هرات، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید افزایش تلفات افراد غیرنظامی در کشور برای اعضای این گروه نگران‌کننده است. او از حکومت افغانستان می‌خواهد برای مشخص شدن علت تلفات غیرنظامیان در ولسوالی گذره هرات، هیأتی متشکل از نهادهای مدنی، کمیسیون مستقل حقوق بشر و سایر نهادهای بی‌طرف را مشخص سازد.

سیداشرف سادات، فعال مدنی در هرات، بر این باور است که در موارد گوناگون، طرف‌های درگیر نبرد افغانستان، از پذیرش مسوولیت کشتن غیرنظامیان شانه خالی کرده‌اند. از دید او، هم حکومت و هم جنگ‌جویان طالبان، در مواردی که به غیرنظامیان آسیب رسیده، دست داشتن در آن را رد کرده‌اند. این فعال مدنی، خواهان حضور نماینده‌گان سازمان‌های جهانی بی‌طرف برای بررسی همه‌جانبه کشتار غیرنظامیان است.

آقای سادات می‌افزاید، دوام خشونت‌ها صلح را پیچیده‌تر می‌سازد و تداوم سرال غم‌انگیز کشتار غیرنظامیان و افزایش خشونت‌ها در کشور، برای کنش‌گران مدنی نگران‌کننده است. او تأکید می‌کند، به دنبال بررسی‌های هیأت، هر کدام از طرف‌های درگیر جنگ، «نیروهای حکومتی یا طالبان» که در آن دست داشته باشند، باید مورد پی‌گرد قرار گیرند.

چند ساعت پس از این حمله، طالبان با نشر خبرنامه‌های نیروهای ارتش را به کشتار غیرنظامیان متهم نمودند. قاری یوسف احمدی، سخنگوی طالبان ادعا دارد، به دنبال دو حمله هوایی ارتش در ولسوالی گذره، ۲۰ فرد غیرنظامی کشته و یا زخمی شدند. به گفته‌ی او، در حمله اول افراد غیرنظامی هدف قرار گرفتند و هنگامی که مردم برای بردن اجساد و زخمیان جمع شدند، حمله دوم انجام شد.

در حالی که طالبان انگشت اتهام کشتار غیرنظامیان در ولسوالی گذره را به سوی حکومت نشانه گرفته‌اند، اما دیدگاه وزارت دفاع ملی با چیزی که آنان می‌گویند متفاوت است. روایت وزارت دفاع از ماجرا این گونه است که مابین جاسازی شده در منطقه «خم زیارت» ولسوالی گذره یک موتر نوع سراجا را که حامل غیرنظامیان بود، هدف قرار داده است. طبق اعلام این وزارت، در انفجار یک کودک کشته و چند تن دیگر زخمی شده‌اند.

اسدالله خالد، سرپرست وزارت دفاع ملی، روز پنج‌شنبه، دوم اسد، اعلام کرد، که در این حمله به طالبان تلفات سنگین وارد شده و در این مورد سندها و مدارکی وجود دارد و آن را همه‌گانی می‌کند.

این وزارت تصاویر مرتبط به حمله هوایی را نشر کرد که در آن افراد تفنگ‌داری مشاهده می‌شوند که در محلی تجمع کرده‌اند. بر اساس یافته‌های وزارت دفاع افغانستان، در حمله به غیرنظامیان «هیچ آسیبی» نرسیده است. وزارت دفاع ملی تأکید دارد که حمله هوایی در ولسوالی گذره بر اساس «تصاویر کشفی و ویدیوهای ثبت شده» اجرا شده است. مقام‌های محلی هرات هم می‌گویند که در این حمله، حدود ۴۵ نفر کشته و ۱۶ نفر زخمی شده‌اند که همه اعضای گروه طالبان بودند.

برخی نظامیان پیشین باور دارند، این رویداد باید به گونه‌ی همه‌جانبه از سوی هیأتی بی‌طرف بررسی شود. از دید آنان، انجام حملات انتحاری و انتحاری از سوی طالبان و آماج قرار گرفتن عمدی مسجدها، شفاخانه‌ها و مراکز غیرنظامی از سوی آنان، هیچ توجیهی ندارد.

محمدنعیم غیور، از مقام‌های پیشین استخبارات پولیس در زون غرب کشور باور دارد، افزون بر حکومت، طالبان نیز در کشتار غیرنظامیان دست دارند و با برجسته‌سازی تلفات غیرنظامیان از سوی نیروهای حکومتی، تلاش دارند حکومت را نزد مردم متفور جلوه دهند.

با این همه، از نظر آگاهان امور نظامی، مسوول تأمین امنیت مردم، حکومت است و بخشی از مسوولیت کشتار غیرنظامیان از سوی طالبان و دیگر گروه‌های هراس‌افکن، بر دوش حکومت و مقام‌های ارشد امنیتی است. حمله هوایی ارتش در ولسوالی گذره هرات و افزایش خشونت‌ها در کشور، واکنش زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه آمریکا برای صلح افغانستان را نیز به دنبال داشت. از دید او، ادامه خشونت‌ها به نفع روند صلح نیست و مردم افغانستان خواهان آغاز فوری گفت‌وگوهای صلح‌اند، اما تلفات بیش‌تر در جریان خشونت‌ها، روند صلح را صدمه می‌زند. در اوضاعی که مردم افغانستان پس از آتش بس روزهای عید فطر، به آغاز گفت‌وگوهای بین‌الافغانی خوش‌بین بودند، اما به نظر می‌رسد افزایش خشونت و داغ شدن آتش جنگ طی روزهای اخیر در کشور، امیدها برای تأمین صلح را به یأس بدل کرده است.

خلاصه کلام

خلافت در منظومه فکری اقبال



خواجه بشیر احمد انصاری

ظهور پدیده‌ای به نام محمد اقبال را می‌توان یکی از معجزه‌های شگفتی‌انگیز قرن بیستم میلادی به شمار آورد؛ البته نه به خاطر آنکه اقبال در محیطی نسبتاً بیگانه، شعر فارسی را تا قله‌های بلندی اوج داد؛ بلکه به خاطر تنوع و عمق فکری این اندیشه‌ورز بزرگ حوزه‌ی تمدنی ما.

اقبال که در حساس‌ترین برهه‌های قرن بیستم در هند و اروپا زیست نمود، این فرصت را یافت تا استعمار را از نزدیک لمس کند، فروپاشی خلافت عثمانی را به چشم سر ببیند، و در باب خلافت چندین مقاله و چندین سخنرانی به انگلیسی و اردو هم داشته باشد. اقبال در مورد خلافت سخنی نو به میدان آورد تا جایی که این بیت نظیری پشاور را به اتاترک اهدا نمود که گفته بود:

هر کجا راه دهد اسب، بر آن تاز که ما

بارها مات در این عرصه به تدبیر شدیم

با آن که مکتب فکری اقبال با اتاترک متفاوت بود و گاهی اتاترک را آماج نقد خویش هم قرار می‌داد ولی باوری که اقبال در باب عوامل فروپاشی خلافت داشت هیچ‌گاه متزلزل نشد.

اقبال خلافت‌های اموی و عباسی و عثمانی را امپراطوری‌هایی خواند که اقوام و نژادهای مختلفی آن را تأسیس نموده و دیگران را به حاشیه راندند؛ در حالی که روح اسلام با نظام امپراطوری سازگاری ندارد. او گفت به خاطر آن‌که وحدت اسلامی واقعی ایجاد گردد باید تمامی کشورهای اسلامی استقلال یابند و سپس هر کشوری به تنظیم اوضاع خانه خویش کوشیده و در پایان همه دست به اتحاد دهند. او می‌گفت این وحدت از کثرتی متشکل از واحدهای مختلف نژادی به وجود می‌آید که نه روح امپراطوری آن را فاسد خواهد ساخت و نه هم زهر نژادگرایی.

زمانی که اقبال این عبارات را می‌نوشت و از مسلمانان می‌خواست تا از تجارب گذشته تفکر سیاسی خویش عبرت بگیرند، در جهان اسلام تنها پنج کشور نسبتاً مستقل وجود داشت: افغانستان، ایران، ترکیه، عربستان و مراکش. او می‌گفت خلافت به شکل سنتی آن، با آن‌که مدت‌ها پیش از تأثیر افتاده است، به جای آن که وحدتی بیافریند، مایه اختلاف و گسیخته‌گی در جهان اسلام گردیده است.

اقبال می‌دانست پنج سال پیش از آن که اتاترک خلافت را ملغاً قرار دهد، خلیفه عثمانی خود بر مبنای قرارداد «مودروس» و «سیفر» تسلیم متفقان شده بود و نیروهای فرانسه و انگلستان و ایتالیا استانبول را اشغال و در کنار وحیدالدین سلطان امپراطوری عثمانی که او را خادم الحرمین الشریفین و خلیفه مسلمین و امیر المؤمنین می‌نامیدند، در پیش چشمان او به تحکیم سنگرهای‌شان در آن شهر می‌پرداختند.

خلاصه سخن این‌که اقبال را در پاکستان «معمار پاکستان» نامیده و حرف «پا» را خیلی هم پر ادا می‌کنند. پرسشی که مطرح می‌شود، اندیشه‌های آن «معمار» با سلوک خلافت خواهانی که از سرزمین او به خانه همسایه یورش آورده و آن را بر سر ساکنانش آتش زده اند، تا چه اندازه سنخیت دارد؟!

پی گیری گزارش حیف و میل شدن بودجه کرونا؛ پای مقام های صحتی و محلی به دادگاه کشیده خواهد شد؟

غزال حارس، رییس اداره بازرسی ریاست جمهوری، روز شنبه، چهارم اسد، در یک نشست خبری یافته های ابتدای این نهاد از بررسی گزارش های «خبرگزاری پژواک» و «روزنامه ۸ صبح» در رابطه به قاچاق دستگاه های تنفس مصنوعی و حیف و میل بودجه ولایتی مبارزه با ویروس کرونا را همگانی کرد. خانم حارس بیان داشت که این گزارش ابتدایی است و اداره بازرسی ریاست جمهوری همچنان بررسی هایش را ادامه می دهد و پس از تکمیل این روند، ممکن است شماری از مقام ها به دلیل فساد و غفلت وظیفه های به نهادهای عدلی و قضایی معرفی شوند.

پیش تر شماری از کارمندان شفاخانه های محمدعلی جناح و افغان-جاپان شکایت داشتند که وزارت صحت عامه معاش آنان را پرداخت نمی کند. اکنون اداره بازرسی ریاست جمهوری می گوید که یافته های این نهاد نشان می دهد که بی نظمی های قابل توجهی در این زمینه وجود دارد. او گفت که وزارت صحت عامه آمار و لیست دقیقی از کارمندان استخدام شده در این دو شفاخانه را ندارد و همچنان شفافیت در روند استخدام پرسونل صحتی در نظر گرفته نشده است. خانم حارس وضاحت داد که شماری از افراد خلاف رشته و یا هم بدون تکمیل کردن سن لازمی، استخدام شده اند. او گفت: «لیست های متفاوت در اختیار اداره بازرسی قرار داده شده که نشان دهنده این است که آمار دقیق و یک مکانیزم شفاف و پاسخگو در رابطه به استخدام افراد وجود نداشته است.»

او به عنوان نمونه بیان داشت که رییس شفاخانه افغان-جاپان صلاحیت استخدام ۱۲۰ نفر را داشته، اما تصمیم به استخدام ۲۰۷ نفر گرفته است. وی تصریح کرد که رییس جدید، بیش تر این کارمندان را برکنار کرده و بیان داشته که به این شمار از کارمندان نیاز نداشته است. خانم حارس بیان داشت که شیوه مدیریت منابع بشری در شفاخانه ها با چالش های زیاد مواجه بوده، زیرا در این شفاخانه ها شماری خلاف رشته استخدام شده و یا هم در دو سه پست هم زمان وظیفه انجام داده اند.

ضعف مدیریتی در سکتور صحتی

از سوی دیگر، رییس اداره بازرسی ریاست جمهوری تصریح کرده که سکتور صحتی افغانستان در سال های گذشته و حال با «ضعف مدیریتی» مواجه بوده است. او به عنوان مثال گفت که ماشین پی سی آر که برای ولایت هرات خریداری شده، جدید بوده، اما وزارت صحت عامه ماشین استعمال شده به این ولایت فرستاده است. یا هم به گفته او رهبری سابق وزارت صحت عامه ماشین «اکسری» کهنه را به جای ماشین جدید به شفاخانه افغان-جاپان فرستاده است. او گفت که در ولایت ننگرهار از کابل دستگاه تنفس مصنوعی فرستاده نشده و دستگاه های موجود در این ولایت را به جای دستگاه های جدید گزارش داده اند.

نیازسنجی و تشخیص نیازمندی صورت نگرفته است

رییس اداره بازرسی ریاست جمهوری هم چنان بیان داشت که در قسمت دوا و دستگاه تنفس مصنوعی نیازسنجی درست نشده است. او گفت که گام های وزارت صحت عامه از انواع دوا پرا است، اما این دواها بسته بندی نشده و وزارت صحت عامه به دنبال خرید دواهای جدید است. علاوه بر این، وی تصریح کرد که در قسمت کارمندان صحتی نیز تشخیص نیازمندی نشده و تعداد کارمندان صحتی بیش تر از تعداد مریضان است. او به عنوان نمونه به شفاخانه افغان-جاپان اشاره کرد و گفت یافته های این اداره نشان می دهد که در این شفاخانه ۵۰ مریض بستر بوده، اما تعداد کارمندان صحتی ۴۵۰ نفر بوده اند. خانم حارس تصریح کرد که اگر این تعداد کارمند به صورت شیفتی هم کار کنند، از تعداد مریضان بیش تر اند. با این همه وی خاطر نشان کرد که عدم نیازسنجی وزارت صحت عامه، نظام صحتی را به چالش کشیده است.

خانم حارس تصریح کرد که بررسی ادامه دارد و در صورت تکمیل بازرسی ها، محتمل است که بعضی از مقامات به دلیل غفلت وظیفه ای و شماری از مسوولان ولایتی به دلیل سوءاستفاده از منابع دولتی، به لوی سارنوالی معرفی شوند. او از مردم خواست که با ارایه اسناد و شواهد، در شفاف سازی پرونده مبارزه با ویروس کرونا، این اداره را همکاری کنند.



ولایت هرات، بدخشان، نورستان و میدان وردک، پول بیش تری در مقایسه با نرخ بازار پرداخت شده و در برخی از موارد، مقام های محلی آمارهای متناقضی ارایه کرده اند. ارگ ریاست جمهوری پس از نشر این گزارش، حکم بررسی چگونه می مصرف بودجه مبارزه با کرونای همی ولایت ها را صادر کرد.

خریداری های غیر مرتبط

خانم حارس هم چنان از خریداری های وسایل غیرمرتبط از بودجه ولایتی مبارزه با ویروس کرونا یاد کرد و گفت که از این بودجه تخت های خواب، لاینز کمره، تلویزیون ۷۵ اینچ و سیت های موبایل خریداری شده است. او گفت: «تمام بودجه های این ها بررسی می شود. هرچند پروسه طولانی است، اما اطمینان می دهیم که مصرف پول این ها به شکل دقیق بررسی می شود.»

رییس اداره بازرسی ریاست جمهوری تصریح کرد که در قیمت اجناس مشابه خریداری شده در ولایت، تفاوت قابل ملاحظه ای وجود دارد. او به عنوان مثال گفت که یک دستگاه ترامتر دیجیتالی در ولایت بدخشان ۱۲ هزار افغانی، در هرات ۲۴ هزار افغانی، در لوگر ۹۱ هزار افغانی، در غزنی ۱۶ هزار افغانی و در سمنگان ۲۰ هزار افغانی خریداری شده است. او اطمینان داد که این نواقص بررسی می شود و با متخلفان برخورد قانونی صورت می گیرد.

از جانب دیگر وی خاطر نشان کرد که در قسمت قراردادهای که در سطح ولایت انجام شده، مشکلات قابل توجهی وجود دارد. او گفت که در قراردادهای رهنمود تدارکاتی در نظر گرفته نشده و یا هم اسناد قراردادهای موجود نیست.

نقش نظارتی نهادهای جامعه مدنی

غزال حارس با تأکید بر اهمیت نقش جامعه مدنی و رسانه ها در روند نظارت از مصرف بودجه ولایتی مبارزه با ویروس کرونا بیان داشت که در برخی موارد نقش این نهادها از سوی کمیته های مربوط در ولایت نادیده گرفته شده است. او گفت که نظر به طرز العمل بودجه، یک کمیته نظارتی ساخته شده بود که در این کمیته یک تن از اعضای مجلس نماینده گان، یک عضو شورای ولایتی، نهادهای مدنی، شهرداری ها، علما و رسانه های محلی شامل بودند. در گزارش تحقیقی که از سوی روزنامه ۸ صبح به نشر رسید، جامعه مدنی شکایت داشتند که آن ها در پروسه نظارت حضور ندارند و یا کسانی که اشتراک هم داشته اند به شکل سلیقه ای از طریق ولایت انتخاب شده اند. وی افزود که یافته های آن ها نشان می دهد که جامعه مدنی یا دعوت نشده اند و یا هم اگر دعوت شده اند، در بعضی موارد به شکل سلیقه ای انتخاب شده اند. خانم حارس تأکید کرد که جامعه مدنی نقشی مهم در پروسه نظارت دارد و می تواند شفافیت را تأمین کند.

پرداخت معاشات کارمندان شفاخانه ها

در افغانستان وجود داشته را رد و یا تأیید نکرد. او اما گفت که بررسی ها ادامه دارد و این اداره تمامی دستگاه های تنفس مصنوعی را شامل لیست می کند و در صورت کمبود حتی یک پایه دستگاه، مسوولان به نهادهای عدلی و قضایی معرفی خواهند شد.

این در حالی است که خبرگزاری پژواک در دوم سرطان گزارشی را مبنی بر قاچاق دستگاه های تنفس مصنوعی به خارج از کشور به نشر رساند. در این گزارش ادعا شده بود که از دستگاه های تنفس مصنوعی که به افغانستان کمک شده، ۳۲ پایه آن به پاکستان قاچاق شده است. معاونت اول ریاست جمهوری و وزارت صحت عامه پیش تر در واکنش به نشر این گزارش گفته بودند که قاچاق دستگاه های تنفس مصنوعی حقیقت ندارد.

یافته های گزارش تحقیقی ۸ صبح از سوی اداره بازرسی تأیید شد

اداره بازرسی ریاست جمهوری گزارش تحقیقی روزنامه ۸ صبح مبنی بر حیف و میل بودجه اختصاصی مبارزه با ویروس کرونا در چهار ولایت را بررسی کرده است. بررسی های ابتدایی این اداره نشان می دهد که خریداری اجناس و تجهیزات مورد نیاز، در بسیاری موارد با قیمت بلند صورت گرفته است. رییس اداره بازرسی ریاست جمهوری گفت که با شیوع ویروس کرونا، دولت یک انعطاف پذیری در رابطه به مصرف بودجه و شیوه تدارکاتی در سطح ولایات را در نظر گرفت و هم زمان با این، دو طرز العمل نیز منظور کرد و به ولایات فرستاد. او توضیح داد که یکی از این طرز العمل ها برای مصرف بودجه و یکی هم رهنمود اجرایی اضطراری بود و ولایات مکلف بودند که در روشنایی این دو طرز العمل، مصارف مالی و تدارکاتی شان را اجرا کنند.

خانم حارس گفت که در گزارش تحقیقی هرچند چهار ولایت محور بحث بود، اما اداره بازرسی ریاست جمهوری تمامی ولایت ها را بررسی کرده است. بررسی های ابتدایی این اداره نشان می دهد که در بسیاری موارد خریداری ها به قیمت بلند صورت گرفته است. خانم حارس به عنوان مثال گفت، یک کوچ چینیایی که قیمت آن ۲۵ تا ۳۵ هزار افغانی است، اما مقام های محلی آن را به ۷۳ هزار افغانی از بازار خریداری کردند. همین طور او ادامه داد که گرم کن سیروم در ولایت بدخشان به ۸۵ هزار افغانی خریداری شده، در حالی که نرخ آن در بازارها ۴۰ هزار افغانی است.

از جانب دیگر او تصریح کرد که ممکن است بازار آزاد در افزایش قیمت ها رول داشته باشد. خانم حارس افزود که بررسی ها در این مورد جریان دارد و ممکن است سکتور خصوصی با استفاده از نظام بازار آزاد، نرخ تجهیزات طبی را به گونه سرسام آور بالا برده باشند. پیش تر، یافته های تحقیقی ۸ صبح نشان داده بود که کم تر از ۱۵۰ میلیون افغانی در بودجه مبارزه با کرونا تنها در چهار ولایت حیف و میل شده است. بر اساس این گزارش که در اول سرطان نشر شد، هنگام خرید وسایل از بودجه مبارزه با کرونای

اداره عالی بازرسی ریاست جمهوری یافته های ابتدایی خود از بررسی گزارش حیف و میل شدن بودجه اختصاصی مبارزه با ویروس کرونا و آسیب شناسی سیستم صحتی در مقابله با ویروس کرونا را نشر کرد. طبق این گزارش، سکتور صحتی کشور با ضعف جدی مدیریتی مواجه بوده و به همین دلیل در بخش خرید تجهیزات و وسایل طبی فساد شده است. براساس یافته های این اداره، شماری از ریاست های صحتی ولایات از بودجه اختصاصی مبارزه با کرونا، اجناس غیرمرتبط خریداری کرده و علاوه بر آن، برای برخی از وسایل چند برابر نرخ بازار پول پرداخت کرده اند. مقامات در اداره بازرسی تصریح می کنند که استخدام کارمندان در شفاخانه ها نیز در برخی از موارد شفاف نبوده است. این اداره اما قاچاق دستگاه تنفس مصنوعی به خارج از کشور را رد کرد و گفت که از مجموع دستگاه های کمک شده به افغانستان، بیش تر آن در اختیار وزارت صحت عامه قرار دارد.

به گفته مسوولان، بررسی های این نهاد ابتدایی بوده و پس از تکمیل روند بررسی چگونه می استفاده پول مبارزه با کرونا در ۳۴ ولایت، احتمال دارد که برخی از مقام های وزارت صحت عامه و نهادهای محلی به دلیل غفلت و دست داشتن در فساد، به نهادهای عدلی و قضایی معرفی شوند.

غزال حارس، رییس اداره بازرسی ریاست جمهوری، روز شنبه، چهارم اسد، در یک نشست خبری یافته های ابتدای این نهاد از بررسی گزارش های «خبرگزاری پژواک» و «روزنامه ۸ صبح» در رابطه به قاچاق دستگاه های تنفس مصنوعی و حیف و میل بودجه ولایتی مبارزه با ویروس کرونا را همگانی کرد. خانم حارس بیان داشت که این گزارش ابتدایی است و اداره بازرسی ریاست جمهوری همچنان بررسی هایش را ادامه می دهد و پس از تکمیل این روند، ممکن است شماری از مقام ها به دلیل فساد و غفلت وظیفه ای به نهادهای عدلی و قضایی معرفی شوند. وی در این نشست پیرامون پرداخت نشدن معاشات کارمندان صحتی و نبود نیازسنجی در سکتور صحتی هنگام مبارزه با ویروس کرونا، نیز معلومات ارایه کرد.

قاچاق دستگاه های تنفس مصنوعی منتفی است

رییس اداره بازرسی ریاست جمهوری بیان داشت که پس از نشر گزارش ها مبنی بر وجود فساد در مصرف بودجه ویروس کرونا و قاچاق دستگاه های تنفس مصنوعی به پاکستان، رییس جمهور دستور داد تا این ادعاها بررسی شود. خانم حارس در رابطه به گزارش خبرگزاری پژواک گفت، یافته های ابتدایی این نهاد نشان می دهد که گزارش های منتشر شده در مورد قاچاق ۳۲ پایه دستگاه تنفس مصنوعی یا وینتلاتور به پاکستان منتفی است و حقیقت ندارد. وی توضیح داد که بررسی های اداره بازرسی ریاست جمهوری نشان می دهد که از مجموع ۶۳ دستگاه کمکی کشورهای خارجی به افغانستان، ۵۶ پایه آن در اختیار وزارت صحت عامه هست و تثبیت شده است. او گفت: «آژانس خبری پژواک ادعا دارد که ۳۲ پایه وینتلاتور به پاکستان قاچاق شده، تنها سریال نمبر یکی از این دستگاه را در اختیار ما قرار داده اند. این شماره مسلسل با هیچ یکی از دستگاه های تنفس مصنوعی شباهت ندارد.»

علاوه بر این، خبرگزاری پژواک اسناد صوتی را به نشر رسانده بود و شخصی که گویا دستگاه های تنفس مصنوعی پیش او است، نوعیت این دستگاه ها را «JS1100» عنوان می کند. او گفت که خبرگزاری پژواک اما نوعیت این دستگاه ها را «VG70» گفته و این دو دستگاه متفاوت است. با این حال، خانم حارس، قاچاق دستگاه های تنفسی ای که در گذشته



عبدالحمید حسینی

رییس جمهور در انحصار یک حلقه‌ی خاص

عابد سعیدی

حکم‌ها در کنار صلاحیت‌های مشخص، برای این مقام‌ها صلاحیت‌های حاشیه‌ای نیز ایجاد می‌کند. این صلاحیت‌های حاشیه‌ای مسلماً از صلاحیت‌های یک مقام دیگر می‌کاهد. افرادی که در حال حاضر به رییس جمهور نزدیک‌اند، تمام سعی‌شان را صورت می‌دهند تا نگذارند هیچ‌گونه مجرای دیگر برای رسیدن به رییس جمهور وجود داشته باشد. آنان اطلاعات را به نفع خود طبقه‌بندی می‌کنند و به صورت ناقص یا حتا وارونه به وی گزارش می‌دهند. رییس جمهور در فقدان معلومات درست، نمی‌تواند تصمیم درست اتخاذ کند. در نتیجه نارضایتی عمومی روزبه‌روز نسبت به عمل کرد حکومت در میان اقشار مختلف افزایش می‌یابد. حتا در میان حلقه نزدیکان و وفاداران به رییس جمهور نیز این وضعیت به شدت وجود دارد. مقام‌هایی که در اطراف رییس جمهور قرار دارند، نسبت به هم‌دیگر بدگمان و بی‌اعتماد اند. همین بدگمانی و بی‌اعتمادی توهم توطئه را در میان آنان گسترش می‌دهد، به همین دلیل یکی در پی حذف دیگر اند.

یک نگاه اجمالی به اطرافیان رییس جمهور نشان می‌دهد که در چند سال گذشته تعداد زیادی از نزدیکان رییس جمهور از چشم وی افتاده و جای‌شان را اشخاص دیگر گرفته‌اند. این چرخه باطل هم‌چنان ادامه دارد و کسانی که به رییس جمهور نزدیک می‌شوند، برای حفظ جایگاه خود اجازه نمی‌دهند کسی دیگر به او نزدیک شود و حداقل معلومات واقعی را برای وی انتقال دهد. الگوبردار و تکمیل‌کننده فصل ناتمام امان‌الله خان باید بداند که از عمده‌ترین دلایل سقوط حکومت امان‌الله خان، حلقه‌ی خاصی بود که او را از آگاه شدن در مورد هر واقعه‌ی به دور نگاه داشته بود.

رییس جمهور غنی در حال حاضر نیز با چنین سرنوشتی روبه‌رو است. آقای غنی به شدت علاقه‌مند تغییر و تحول در عرصه‌ی اقتصادی است، به همین دلیل پشت سر هم در حال بیرون دادن طرح‌ها و برنامه‌های اصلاحی و اقتصادی می‌باشد، بدون آن‌که بررسی دقیقی از میزان آماده‌گی بستر اجتماعی و فرهنگی موجود باشد.



مجلس نماینده‌گان شاهد این مدعا است. واقعیت این است که رییس جمهور به شدت از هرگونه بازخوردی در مورد طرح‌هایش بی‌خبر است. او نمی‌داند که طرح‌هایش تا چه حدی قابل تطبیق است یا هم به چه میزان واکنش مثبت مردم را با خود دارد؛ زیرا هرگونه انعکاس به این طرح‌ها به گوشش نمی‌رسد. در کنار آن بخشی از وقت رییس جمهور به شنیدن طرح‌هایی صرف می‌شود که اطرافیان‌ش برای تضعیف هم‌دیگر می‌ریزند. در این روزها شبکه‌های اجتماعی پر از حکم‌هایی است که رییس جمهور برای نزدیکانش صادر کرده است. این

به صورت ماهانه مقداری پول به حساب شهروندان ریخته می‌شود تا در فضای رکود اقتصادی ناشی از کرونا، شهروندان این کشورها دچار مشکل معیشتی نشوند. حکومت افغانستان نیز برای مدد به ۹۰ درصد مردم افغانستان با کمک بانک جهانی خواست تا چنین قدمی را بردارد، اما این قدم هیچ‌گونه تحقیق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نشد. چند نهاد دولتی هم مسوول عملی ساختن این طرح شدند. حتا این طرح با قوه مقننه که طبق حکم قانون اساسی تصویب‌کننده هرگونه طرح با مبنای مالی است، در میان گذاشته نشد که واکنش

محمدآشرف غنی، رییس جمهور کشور، در دوران ریاست جمهوری‌اش در حکومت وحدت ملی، نام امیر امان‌الله خان را در موارد مختلف به کار برد. او باری گفت که فصل ناتمام امان‌الله خان را تکمیل خواهد کرد. او حتا پشت میزی می‌نشیند که روزگاری امیر امان‌الله خان از آن استفاده می‌کرد. با این حال شاید وجه مشترکی که میان غنی و امان‌الله خان بتوان یافت، گیر کردن هر دو در چنبره‌ی درباریانی است که آن‌ها را از دانستن واقعیت‌های عینی روزگار به دور نگه می‌داشتند و می‌دارند. امان‌الله خان پس از شروع اصلاحات، رابطه‌اش با مردم به تدریج کم شده رفت و اطرافش را درباریانی گرفتند که نه دانش جامعه‌شناسی درست داشتند و نه هم وفادار به شاه و ریفورم‌هایش بودند. دودسته‌گی در دربار شاه جوان نیز به باور غلام‌محمد غبار در حدی بود که یکی فعالیت‌های دیگری را خنثا می‌کرد. چنین بود که در عدم شناخت از نیازها و مشکلات توده‌های مردم که تنها حامی امان‌الله خان بودند، این قشر نیز از کنار امان‌الله خان دور شدند و شاه ماند و اصلاحاتی که چیزی را نتوانست عوض کند.

رییس جمهور غنی در حال حاضر نیز با چنین سرنوشتی روبه‌رو است. آقای غنی به شدت علاقه‌مند تغییر و تحول در عرصه‌ی اقتصادی است، به همین دلیل پشت سر هم در حال بیرون دادن طرح‌ها و برنامه‌های اصلاحی و اقتصادی می‌باشد، بدون آن‌که بررسی دقیقی از میزان آماده‌گی بستر اجتماعی و فرهنگی موجود باشد.

طرح دست‌نخورده ملی در واقعیت الگویی از طرح‌هایی است که در چند کشور جهان از جمله کانادا، امریکا و جاپان تطبیق شده است. در این کشورها

صوفی‌مشربانی که بنیادگرا شدند

علی‌سجاد مولایی

موازات با آن نیز قرار گرفتند. البته این تغییر مسیر در گذشته نیز سابقه داشته که جریان‌های معتدل صوفی به جریان‌های رادیکال بدل شده‌اند. جنبش مهدی سوادان در اخیر قرن ۱۹ که در پاسخ به وضعیت آشفته آن روز سوادان شکل گرفته در ابتدا یک جریان معتدل و اصلاح طلب بود که با آشفته‌تر شدن وضعیت به سمت بنیادگرایی رفت. البته در این مورد چندین علت وجود که این جریان به خشونت رفت. نخست، وضعیت آشفته‌ی سیاسی و اجتماعی سوادان که حاصل استعمار، استعمارگران خارجی و همکاری مصری‌ها و ترک‌ها در وضع مالیات سنگین بر سوادانی‌ها بود؛ دوم، آشنامحمد احمد مشهور به مهدی رهبر جنبش مهدی با سیدجمال اسعدآبادی بود و مورخان براین باور که مهدی تا اندازه تحت تأثیر اندیشه‌های سیدجمال قرار گرفته بود؛ آخرین عامل نیز وفات مهدی بود که جانشین او عبدالله که اهداف او را به شیوه بنیادگرایانه تعقیب کرد.

شایعات نیز در مورد همکاری میان درویش نقشبندی و دولت اسلامی وجود دارد. اگر این فرض درست باشد چه عامل باعث می‌شود تا جریان معتدل مبدل به جریان رادیکال شوند. در مورد جریان نقشبندیه عراق می‌توان به این موارد اشاره کرد. بر اساس برخی گزارش‌های ایالات متحده قبل از حمله به عراق به این جریان رابطه برقرار کرده و از آن‌ها اطلاعات دریافت می‌کرده و در بدل این اطلاعات نقش مهمی برای آن‌ها در حکومت بعدی وعده گردیده بود که عمل نشد و مانند گذشته آن‌ها از حکومت دور ماندند؛ این امر باعث دل‌خور درویش نقشبندی گردید و در زمانی که داعش روی قدرت آمد آن‌ها برای رسیدن به قدرت به آن‌ها همکاری کردند. به صورت خلاصه باید بگویم که استبداد و سرکوب و از سوی شریک نبودن در قدرت باعث می‌گردید که جریان معتدل رادیکال شوند.

سخن آخر این‌که در تبدیل جریان معتدل به رادیکال هم عوامل بیرونی و هم عوامل درونی نقش دارند. در مورد طالبان نیز همین امر صدق می‌کند آشنا طالبان با مجاهدین عرب - افغان، حمایت کشورهای منطقه‌ای و وضعیت آشفته داخلی زمینه را برای رادیکال شدن این جریان مهیا کرد.

و به سامان که می‌توانست به گونه‌ای مناسب برای سامان دادن زندگی و حیات مادی معنوی افراد و جوامع مسلمان به کار آید. به هر روی مکتب دیوبند از هنگام تاسیس مدرسه‌ی دارالعلوم دیوبند تا کنون بیش از هر جریان دیگری خود را وام‌دار اندیشه‌های شاه‌ولی‌الله و ادامه‌دهنده‌ی آن می‌داند؛ و این به رغم آن است که در موارد بسیاری، آشکارا از آن فاصله گرفته است. می‌توان گفت تشکیل حکمت یک‌پارچه‌ی اسلامی یا همان «مارت اسلامی» یکی از یادگارهای بر جای مانده از اندیشه‌ی سیاسی شاه‌ولی‌الله است که بسیاری از گروه‌های دیوبندی و غیردیوبندی هم سوادی آن را در سر می‌پرورانند. از منظر کلام اسلامی مکتب دیوبند، برپایه‌ی اعتقادات جریان اشعری بنا شده است. جریان اشعری که در میان اهل سنت از جریان پرتطرف‌دار است و مشهور به عقل‌گرایی می‌باشد.

گروه طالبان نیز وابسته به این جریان هستند و بسیاری از ناظران این گروه را نماینده جریان دیوبندی می‌دانند. اما چه باعث گردید که این گروه تغییر مشی سیاسی بدهند و به سمت سلفی - وهابی تغییر جهت بدهند؟ پاسخ این پرسش را می‌توان در دل تحولات دهه‌ی ۹۰ افغانستان جست‌وجو کرد. خروج شوروی از افغانستان میدان برای گروه جهادی باز کرد و هر کدام از این گروه برای تصاحب قدرت در مقابل یک‌دیگر شاخ و شانه کشیدند.

درگیری میان گروه‌های جهادی سبب به وجود آمد هرج‌ومرج و بی‌ثباتی در افغانستان شد. شهروندان که از وضعیت جاری به ستوه آمده بودند خواهان آرامش نسبی بودند. جنگ داخلی زمینه را برای حضور طالبان در افغانستان هموار کرد. اما طالبان برای تسلط به افغانستان نیازمند تمویل مالی و لوژستیکی بودند. روابط نزدیک طالبان با مجاهدین عرب - افغان که در زمان جهاد به افغانستان آمده بودند؛ سبب شد تا این جریان با طالبان توافق کنند که در بدل کمک‌های مالی اعراب آن‌ها عقایدشان را از اشعری به سلفی تغییر بدهند.

این تغییر گفتمانی باعث شد تا طالبان گرایش‌های صوفیانه خودشان را رها کنند. بعد از این تغییر آن‌ها نه تنها صوفی‌گری را بدعت دانستند بلکه در

توسط محمدقاسم نانوتوی و رشیداحمد کنگوهی تاسیس شد. ریشه این مکتب به شکست قیام مسلمان در هند و اضمحلال حکومت گورکانی‌ها بر می‌گردد. این جنبش مانند سایر جنبش‌های اسلامی یک حرکت واکنشی به ضعف و شکست اسلام بود. به عقیده هر ایزدکمجان نظریه‌پرداز جنبش‌های اسلامی، معمولاً جنبش‌های در واکنش به یک بحران شکل می‌گیرند و هر جنبش خود دوباره به بحران دیگر بدل می‌شود. مکتب دیوبند نیز در واکنش به زوال حکومت اسلامی در هند پدید آمد.

شالوده و بنیان اندیشه‌ی دینی مکتب دیوبند، برگرفته از اندیشه‌ها و آرای «شاه‌ولی‌الله دهلوی» می‌باشد. شاه‌ولی‌الله را می‌توان بزرگ‌ترین شخصیت دینی مسلمانان شبه‌قاره در چند سده‌ی اخیر دانست. بسیاری وی را میانجی‌گذار جامعه‌ی مسلمانان هند از دوره‌ی سنت به عصر جدید می‌دانند. در واقع تأثیر عقاید و نظام باورهای وی در میان همه‌ی جریان‌های مذهبی امروز پاکستان و هند کم‌وبیش نمایان است. کار عمده‌ی وی را می‌توان در دو محور عمده شناسایی و بررسی کرد: نخست تلاش و رویکرد وی برای ایجاد آشتی و هم‌آهنگی میان مذاهب و گرایش‌های گوناگون فقهی، کلامی، تصوف و...؛ و دوم به وجود آوردن یک دستگاه فکری منسجم

در این شکی وجود ندارد که جریان طالبان بر اساس آرا و آموزه‌های دیوبندی شکل گرفته است. اما این جریان در میانه راه، تغییر مسیر داده و به سمت اندیشه‌های سلفی - وهابی رفته است؛ هدف از نگارش این نوشته این است که تحول گفتمانی طالبان را از دیوبندیسم به وهابیسیم مورد بررسی قرار بدهیم.

در نخست بهتر است نگاهی مختصر به مکتب دیوبند داشته باشیم تا ما را در فهم بهتر این جریان کمک کند. مکتب دیوبند از قدیمی‌ترین مدارس دینی در جهان اسلام است که در هندوستان موقعیت دارد و از لحاظ جایگاه و اعتبار خیلی‌ها آن را معادل و برابر با دانشگاه الازهر در قاهره مصر می‌دانند که این مدرسه به الازهر هندوستان شهرت دارد.

مکتب دیوبند، نام خود را از روستای کوچکی به همین نام دیوبند، در شمال غربی شهر دهلی گرفته که در سال ۱۸۶۷م/۱۲۴۶خ مدرسه‌ی دینی کوچک «دارالعلوم» در آن تاسیس شد. این مدرسه به همت استادان، شاگردان و حامیان خود توانست در دهه‌های پسین گسترش قابل توجهی پیدا کند؛ به گونه‌ای که ده‌ها مدرسه‌ی دیگر در شهرهای هندوستان تاسیس شدند که زیر نظر دارالعلوم دیوبند قرار داشتند.

این مدرسه تحت تأثیر اندیشه‌های شاه ولی‌الله دهلوی





محمدعلی مشعل، استاد دانشگاه

بانک مرکزی در کشورها مهم‌ترین نهاد سیاست‌گذار پولی است. نظام بانکداری که ابتدا در کشورهای پیشرفته صنعتی به وجود آمد و در حوالی سده بیستم میلادی در تمام دنیا فراگیر شد، تدبیری بود برای حفاظت از بانکداری مبتنی بر ذخیره ارزی و کسری بودجه، بانک مرکزی به عنوان بانک‌دار بانک‌ها، قرض‌دهنده در آخرین مرحله و بانک‌دار دولت تعریف می‌شود. دیده می‌شود که بانکداری بانک مرکزی برای دولت، آخرین جایگاه را مطابق تعریف فوق دارد، اما در کشور ما این جایگاه در اولویت بانک مرکزی قرار دارد. روند بانکداری در دنیای امروز به طرف استقلال بیش‌تر بانک مرکزی در حرکت است، اما در کشور ما بانک مرکزی عملاً به ابزار دولت‌ها برای حل مشکلات مالی آن‌ها تبدیل شده است.

نتیجه این حرکت مغایر، نوسان شدید در سطح عمومی قیمت‌ها و کاهش بی‌پیشینه ارزش پول افغانی است که باعث ایجاد شرایط عدم اطمینان در محیط اقتصاد کلان کشور شده است. برای ساده‌سازی فهم اهمیت بانک مرکزی، توجه شما را به این مثال جذب می‌کنم: اگر فرض کنیم پول حیثیت خون در بدن انسان را دارد، پس بانک مرکزی جایگاه قلب را به خود مختص می‌کند. اهمیت بانک مرکزی از آن‌جا ناشی می‌شود که این نهاد مسوول درجه یک کنترل حجم نقدینه‌گی و مدیریت تورم در بازار است. از طرفی هم حفظ و ثبات ارزش پول ملی یکی از وظایف اساسی محول شده به بانک مرکزی در نظام اقتصاد بازار است، لذا این دو مهم در کنار سایر وظایف معمول بانک‌های مرکزی، اهمیت آن را به خوبی نشان می‌دهند. با توجه به اهمیت این وظایف در اقتصاد کشور، می‌توانیم به صراحت ادعا کنیم که برآورده‌سازی آن وظایف از جانب بانک مرکزی ممکن نیست، مگر با اعطای قدرت تصمیم‌گیری مستقل و رها از فشارهای سیاسی و دولتی. به باور من بانک مرکزی کشور به صورت موردی در چند بخش ناکامی قطعی داشته است: نداشتن استقلال در تصمیم و عمل کرد بانک، عدم تطبیق درست قانون بانکداری، اعتیاد به سیاست لیلام اسعار، تطبیق زود هنگام و غیرموثر قوانین بانکداری بالای صرافان، عمل کرد غیرمسلکی سیاست‌گران بانک مرکزی در رابطه

بانک مرکزی و ضرورت بازتعریف جایگاه آن در اقتصاد

ابعاد اقتصادی این سیاست‌ها که تأثیرات عمیق و درازمدت دارد آگاهی ندارند و یا هم نگران آن نیستند. در حالی که سیاست‌های پولی و مالی موثر در درازمدت موثریت خود را نشان می‌دهند، نه در کوتاه مدت، اما سیاستمداران در کوتاه‌مدت و در یک بازه مشخص زمانی مسوولیت دارند. از همین سبب افغانستان هیچ‌گاه نتوانسته یک سیاست پولی موثر را اتخاذ کند که در درازمدت منافع اقتصادی کشور را تضمین کند. این مساله ناشی از عدم استقلال‌شان در تصمیم بزرگ اقتصادی است. چنان‌چه چندی قبل به دستور رییس جمهور غنی ۱۵ میلیارد افغانی به بسیار آسانی از بانک مرکزی به بودجه دولت انتقال داده شد؛ این اقدام بدون توجه به پی‌آمدهای بعدی آن صورت گرفت. در چنین حالت‌هایی اگر بانک مرکزی واقعاً مستقل می‌داشتیم، این انتقال به احتمال زیاد صورت نمی‌گرفت. موارد زیادی از این قبیل وجود دارد که رسانه‌ها و مردم از آن باخبر نمی‌شوند. تعیینات و تقریرها در بانک مرکزی باید از طریق یک شورای بی‌طرف اقتصادی و پارلمان اجرایی گردد، نه از طرف شخص رییس جمهور. چنین تقریرها از جانب رییس جمهور و دیگر نهادهای دولتی می‌تواند به وابسته‌گی هرچه تمام‌تر بانک مرکزی به دولت بینجامد. از این رو می‌توان گفت یکی از مبرم‌ترین الزامات اصلاحات اقتصادی در کشور، بازتعریف جایگاه بانک مرکزی است. لازمه استقلال واقعی بانک مرکزی و جلوگیری از استفاده ابزاری آن از سوی دولت، اصلاح ساختاری این نهاد است. بالاترین مراجع تصمیم‌گیری در این نهاد، یک ترکیب کاملاً دولتی را نشان می‌دهد که توسط اراده سیاسی صاحبان قدرت تقرر یافته‌اند؛ چنان‌چه سرپرست فعلی بانک مرکزی با یک مانور سیاسی به ریاست بانک مرکزی تکیه زد و مسوولان قبلی را برکنار کرد. تعیین هیات عالی بانک مرکزی باید تخصصی، فنی و کارشناسانه باشد. ویژه‌گی و شرایط عزل و نصب اعضای این هیات باید طوری پیش‌بینی شود که تا حد توان آن را از سیطره و نفوذ صاحبان قدرت سیاسی مصون نگهدارد. امید است این پیشنهادات با جدیت و حسن نیت از سوی سیاستمداران و کارشناسان اقتصادی کشور و همین‌طور بانک مرکزی مورد بحث قرار گیرد تا بازگشای باب تازه از گفت‌وگوهای اقتصادی در رابطه به نهاد فوق‌العاده مهم کشور که بانک مرکزی می‌باشد واقع گردد.

به سیاست‌های پولی، عدم مدیریت درست نوآوری مالی، ناکامی قطعی در راستای مبارزه با فساد، سوء مدیریت اسکناس‌های مندرس، ناتوانی در تطبیق قانون پول‌شویی و تمویل توریزم و بسا موارد دیگر از نمونه‌های اساسی ناکامی بانک مرکزی و ناکارایی سیاست‌های آن می‌باشد. در این یادداشت مختصر از بین موارد یاد شده صرف به اهمیت مستقل بودن بانک مرکزی از فشارهای سیاسی و دولتی در راستای سیاست‌گذاری و عمل کرد آن پرداخته می‌شود، که نداشتن استقلال در تصمیم‌گیری بانک مرکزی به عنوان یکی از ناکامی‌های این بانک نیز محسوب شده است. مردم افغانستان در بیست سال گذشته حداقل دو بار شاهد اعتمادشکنی اساسی بانکی در کشور بوده‌اند. یکی در سال ۲۰۰۱ که سه صفر پول افغانی حذف شد، مجبور به تحمل شوک اقتصادی شدند و دیگری با سقوط کابل‌بانک که در نوع خود فاجعه پولی محسوب می‌شد، متحمل زبان‌های فوق‌العاده اقتصادی گردیدند.

آن‌چه که پایه‌های بانکداری را در کشورها تقویت می‌کند، اعتماد است. شاید این ضرب‌المثل را شنیده باشید که برای یک تاجر پول بالاترین اهمیت را دارد، ولی آن‌چه که مهم‌تر از پول برای‌شان اهمیت دارد، اعتبار است. بانک نیز یک نهاد اعتبارساز است که پس‌اندازکننده و سرمایه‌گذار را باهم وصل می‌کند. شکل‌گیری اعتماد بسیار زمان‌بر است و نیز یکی از سخت‌ترین کارهای دنیا همین ترمیم اعتماد شکسته است. نظام بانکی کشور باید اعتماد شکسته را ترمیم کند. پس راه درازی در پیش دارد و در این مسیر آن‌چه که یاری‌رسان اصلی محسوب می‌گردد، همان سیاست‌گذاری درست و مستقل برای مدیریت سرمایه پولی کشور است تا تعهد بانک مرکزی به نظام پولی و تقویت آن به اثبات برسد، نه تعهد به بانکداری برای دولت. اقتصاد و سیاست روابط نزدیک با هم‌دیگر دارند، طوری که دانشمندان آن‌ها را دو روی یک سکه تعبیر کرده‌اند. همین نزدیکی روابط گاه‌ها باعث می‌شود که اقتصاد قربانی سیاست گردد. به طور مثال، دولت‌ها دوست دارند برای از بین بردن بی‌کاری، بانک مرکزی را وادار به چاپ اسکناس کرده و انگیزه‌های تورمی را تشدید کنند. برای یک دولت‌مرد این اقدام شاید در کوتاه‌مدت مفید باشد و بتواند از این طریق به طرفداران خویش بیفزاید، ولی برای نهاد پولی کشور چنین عمل‌کردی بدون در نظر داشت زمینه‌های آن،

نقدی بر مقاله‌ی «رشد طبقه تن‌آسا در افغانستان»

سیدنبی سجادی، استاد دانشگاه

در نخست باید یادآور شد تعدادی از نویسندگان کشور، به دلایل مختلف از فهم تحقیقی و روش‌شناسی تحقیق دور مانده‌اند و به این لحاظ، در اکثر نوشته‌ها، استفاده از روش‌های تحقیق معلوم و محسوس نیست. از این جهت، با حفظ احترام به خانم فرید باید عرض کنم هدف از نقد مقاله‌ی‌شان، ایجاد تلنگر به نویسندگان کشور جهت اهمیت دادن به روش‌های تحقیق و روش‌شناسی در تحقیقات مورد نظر این نویسندگان است، لذا می‌خواهم روی اهمیت روش تحقیق تأکید کنم و مطمئن هستم خانم فرید در این مسأله با من هم‌نظر هستند و درک می‌کنند.

از آن‌جایی که نقد برجسته‌سازی نقاط قوت و ضعف در یک اثر علمی است، یقیناً مقاله خانم فرید از این قاعده مستثنا نیست و من کوشش نموده‌ام هر دو را در نظر بگیرم.

نقاط ضعف:

اولاً عنوان این مقاله، درست روش‌شناسی نشده است تا محقق بتواند راه خویش را جهت رسیدن به سوال تحقیق پیدا کند، تمام داده‌ها به شکل کتاب‌خانه‌ای جمع‌آوری شده است، نویسنده فقط به مبانی نظری موضوع تأکید داشته و وارد میدان تحقیق نگردیده است تا بداند آیا واقعاً طبقه‌ی مرفه در افغانستان وجود دارد و اگر وجود دارد با کدام شاخص‌ها وجود دارد. از زبان صاحب نظران زیادی نقل قول صورت گرفته است، ولی روی جواب سوال اصلی تحقیق که همانا (آیا

طبقه تن‌آسا در افغانستان رشد نموده است یا خیر) است کم‌تر صحبت شده، در حالی‌که مهم‌ترین کار محقق پیدا کردن جواب به سوال اصلی تحقیق است. هم‌چنان در نتیجه‌گیری، به جای این‌که با سند ثابت کند طبقه تن‌آسا در افغانستان رشد کرده است یا خیر؛ ناخودآگاه روی طبقه متوسط بحث و تأکید کرده است و جمع‌بندی نهایی از مقاله‌ی مورد نظر با در داشت سوال تحقیق وجود ندارد، در حالی‌که عنوان این مقاله (رشد طبقه تن‌آسا در افغانستان) است.

دوم، نظریه طبقه مرفه تورستین وبلن و تعمیم آن در افغانستان آیا ممکن است، آیا واقعاً طبقه‌ی با شاخص‌های طبقه‌ی مرفه وبلن در افغانستان شکل گرفته است؟ و یا از این نظریه خانم فرید خواسته است به عنوان چارچوب نظری استفاده کند و بعد به تحقیق میدانی خویش در افغانستان تعمیم بدهد در حالی‌که در اثر وی کار میدانی دیده نمی‌شود همه کتاب‌خانه‌ی است.

طبقات اجتماعی از خود شاخص‌هایی دارد که در مقاله‌ی‌شان، مشخص نشده است. مثلاً: از مشخصه‌های طبقات اجتماعی این سه مورد خیلی مهم است که در این مقاله واضح نیست:

۱- سرمایه اقتصادی افراد

۲- موقف اجتماعی افراد

۳- سرمایه فرهنگی و دانش افراد

ما یک تعداد سرمایه‌دار در افغانستان داریم که پول و موقف اجتماعی دارند ولی دانش و سرمایه فرهنگی در حد طبقه تن‌آسا ندارند؛ لذا در این مقاله مشخص نیست منظور از طبقه تن‌آسا و متوسط کدام افراد با چه

شاخص‌هایی هستند.

از طرف دیگر مقدار دانش، پول و موقف اجتماعی طبقات اندازه‌گیری می‌شود، به این معنا که شخص با چه اندازه دانش، چه اندازه پول و با کدام موقف اجتماعی می‌تواند شامل سه طبقه معروف مرفه، متوسط و فقیر شوند.

و این مسأله نیز در این مقاله مشخص نیست که افراد طبقه تن‌آسا چقدر پول، چه مقدار دانش و کدام موقف اجتماعی را دارا هستند.

بنا بر این، ابتدا باید طبقه مرفه در افغانستان تعریف گردد و بعد دنبال این باشیم که این طبقه در کشور رشد کرده است؛ یا نه، با یکی دو کلمه‌ی بی‌بنیاد و بدون سند و عدم تعیین شاخص‌های طبقات اجتماعی که نمی‌شود ثابت کرد طبقه تن‌آسا در افغانستان وجود دارد و رشد کرده است. نمی‌شود تنها با روش مشاهده عینی خود محقق این مسأله را ثابت کرد. در بحث روش‌شناسی عنوان یا موضوع (رشد طبقه تن‌آسا در افغانستان) روش تحقیق این عنوان، روش آمیخته (کمی و کیفی) است.

محقق وقتی ادعا می‌کند طبقه تن‌آسا در افغانستان رشد داشته است، با استفاده از ابزار روش تحقیق داده‌های کمی را جمع‌آوری نموده، مقدار رشد طبقه تن‌آسا را اندازه‌گیری می‌نماید تا معلوم شود چقدر رشد داشته است، یعنی این‌جا کمیت موضوع مطرح است.

برای ثابت کردن این‌که طبقه تن‌آسا در افغانستان وجود دارد، باید با یک تعداد کارشناسان و افرادی که بر این موضوع تسلط دارند و شکل‌گیری این طبقه را مشاهده

کرده‌اند، مصاحبه کیفی انجام شود، لذا این‌جا بحث کیفیت موضوع مطرح می‌شود. از این جهت، در این مقاله هر دو روش (کمی و کیفی) در نظر گرفته نشده است.

نقاط قوت:

خانم ناهید فرید مطالعه‌ی کافی در زمینه‌ی مبانی نظری این موضوع داشته است و جمع‌آوری داده‌های کتاب‌خانه‌ای موضوع کافی و قابل ستایش است.

زبان نوشتاری این مقاله سلیس و روان است و می‌تواند برای اکثر خواننده‌گان قابل فهم باشد. ارجاع‌دهی منابع استفاده شده در این اثر، کار را زیباتر می‌کند و با رعایت و استفاده از روش تحقیق و روش‌شناسی تحقیق این اثر و بهتر و بهتر خواهد شد.

احساس مسوولیت خانم فرید در قبال ناهنجاری، معضلات و بحران‌های کشور در آثار و نوشته‌های وی محسوس است و این نیز می‌تواند از نقاط قوت در اثر وی باشد چنان‌که در مقاله حاضر نیز محسوس است.

در نهایت، توصیه من از طریق نقد مقاله خانم ناهید فرید به نویسندگان کشور این است که در قبال علم و تحقیقات علمی محتاط و مسوول باشیم و ضمن اهمیت دادن به روش‌های تحقیق، نام هر نوشته‌ای را نوشته علمی نگذاریم و با مطالعات، بین آثار علمی و نوشته‌های دیگر تفکیک قایل شویم. تقریباً تمام کشورهای توسعه‌یافته، با اهمیت دادن به روش‌های تحقیق علمی، مراحل توسعه را به خوبی سپری نموده‌اند و ما نیز می‌توانیم.

کدام صلح؟

رامش نوری، استاد دانشگاه

مقدمه:

با رهایی زندانیان طالبان از زندانهای حکومت افغانستان، گفت‌وگوهای صلح یا همان پروسه صلح به قول طالبان پس از عید قربان آغاز می‌شود. صلح، مفهومی که در روابط میان فردی از آن به عنوان آرامش و نبود خشونت یاد می‌کنند ولی در معنای گسترده‌تر به ویژه در مسایل اجتماعی، صلح به فرآیند شکل‌گیری ثبات و توازن قدرت در جامعه گفته می‌شود. حال پرسش مطرح می‌شود که کدام صلح می‌تواند، ثبات و توازن قدرت را در جامعه درگیر جنگ افغانستان تأمین کند؟ آیا با صلح نمودن با طالبان جنگ در افغانستان به پایان می‌رسد؟

پروسه صلح و محورهای تعیین‌کننده

پیش از این که بپردازیم به پاسخ پرسش اصلی این نوشته، یک مسأله را باید به گونه‌ی کلی و واضح بیان کنیم که در پروسه صلح، رضایت یک کشور یا یک گروه نمی‌تواند توازن قدرت و ثبات را در افغانستان رقم بزند. این حرف به این معنا است که افغانستان قرن ۲۱ یا عصر جهانی شدن، کشوری است که کشورهای متعدد منطقه، جهان و گروه‌های ذی نفوذ سیاسی در آمدن صلح و نیامدن صلح آن، نقش بازی می‌کنند. بنا بر این، در پروسه صلح افغانستان به گونه‌ی خلاصه چندمحور اساسی و تصمیم‌گیرنده است که رضایت و عدم رضایت‌شان بر این پروسه تأثیرگذار می‌باشد.

محور اول:

محور اول، دولت و مردم افغانستان است، هم دولت و هم مردم افغانستان خواستار صلح با عزت هستند. قابل یادآوری می‌دانم، این که مردم افغانستان شامل توده‌ها، احزاب سیاسی، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی اثرگذار نیز می‌شود.

محور دوم:

دومین محور تأثیرگذار، گروه طالبان است. طالبان، گروه که در مخالفت نظامی با دولت افغانستان از ۱۹ سال به این سو قرار دارند و به عنوان یکی از گروه‌های جنگی در افغانستان حساب می‌شوند. در حین حال، در یک تقسیم‌بندی آماری، گروه طالبان را به سه دسته اساسی تقسیم کرده‌ام که با تفکیک آن می‌توان وضعیت جنگی را در افغانستان پیش‌بینی کرد. این تقسیم‌بندی عبارت است از:

(الف) طالبان ایدئولوگ، دسته‌ی بیش از ۱۰ درصد نیستند ولی ایدئولوژی امارت اسلامی، محور اساسی مباحث آن است. یعنی به هیچ وجه در تقسیم قدرت و تداوم نظام مردم‌سالار راضی نمی‌شوند و جنگ را تا برنده شدن‌شان، اولویت اساسی خودشان می‌دانند.

(ب) دسته‌ی جنایی یا «کرایمنل گروپ»، دسته‌ی از طالبان است که جنگ تداوم حیات اجتماعی‌شان در جامعه محسوب می‌شود و معمولاً ۱۳ درصد اند و هر گروهی که در جنگ باشد، زیر پرچم آن‌ها قرار می‌گیرند، و از تداوم جنگ و بی‌نظمی سود می‌جویند. این گروه اکثراً در قضایای قاچاق مواد مخدر، سلاح و قاچاق انسان دست دارند و در جامعه ثبات و دارای قانون و عاری از جنگ نمی‌توانند زنده‌گی کنند.

(ج) جنگ‌آوران، دسته‌ی سومی جنگ آوران است که در بدل پول‌هایی که برای‌شان داده می‌شود، جنگ می‌کنند. دولت افغانستان در واقع نمی‌تواند تا با گروه ایدئولوگ و یا «کرایمنل گروپ» صلح کند، بلکه بهترین گزینه خرید جنگ‌آوران طالب برای‌شان خواهد بود.

محور سوم:

سومین محور ایالات متحده امریکا است که می‌تواند جنگ را پایان ببخشد و یا در تداوم آن تلاش کند. زمانی که می‌گویم جنگ را پایان ببخشد، منظوری این است که می‌تواند جنگ‌آوران را بخرد.

محور چهارم:

چهارمین محور در آوردن ثبات در افغانستان و تا حدی

پایان جنگ، پاکستان است. پاکستان کشوری است که سازمان استخباراتی آن (آی‌اس‌آی) لجام برخی از رهبران گروه طالبان را در دست دارد. و بر هر جهتی که بخواهد این گروه را می‌کشد.

محور پنجم:

روسیه، چین و ایران، پنجمین محورهای تأثیرگذار در پروسه صلح افغانستان هستند. در واقع می‌توانم بگویم که این کشورها شدیداً در مسأله ثبات در افغانستان و تمویل گروه نظامی طالبان نقش دارند.

محور ششم:

سایر کشورها، منظوری از سایر کشورها در این بحث کشورهای عربی مانند امارت متحده عربی، عربستان سعودی، قطر و کشورهای اروپایی است که به نحوی در مسأله صلح افغانستان نقش دارند.

در این بخشی از نوشته به مهم‌ترین پرسشی آن بر می‌خوریم که کدام صلح؟ هر چند در پیوند به نوعیت صلح دیدگاه‌های مختلفی نه تنها در افغانستان، بلکه در سطح جهان وجود دارد که به برخی آن می‌پردازیم.

(الف) صلح مثبت و منفی
تئوری صلح مثبت و منفی را وهان گالتونگ، فیلسوف صلح و نظریه‌پرداز نارویژی ارائه کرده است. تعریفی گالتونگ از صلح منفی در واقع نبود جنگ و خشونت مستقیم است و صلح مثبت ضمن نبود جنگ و خشونت مستقیم، غلبه به خشونت ساختاری است. پس با وجود ۲۱ گروه هراس‌افکن در خاک افغانستان و با توجه به ماهیت دست‌بندی طالبان، با وجود صلح با طالبان جنگ و خشونت مستقیم ختم نمی‌شود و هم‌چنان با رویکرد امارت اسلامی که ریشه در تفکر سخت‌گیرانه‌ی دینی دارد خشونت ساختاری هم‌چنان از جامعه افغانستان ختم نمی‌شود.

(ب) صلح عادلانه و پایدار
صلح عادلانه روندی است که صلح و عدالت هم‌زمان با توافق طرف‌های منازعه بر سر خواست‌های مشترک، پذیرش هویت‌های هم‌دیگر، تدوین و پیروی از قاعده مشترک مورد نظر طرف‌ها، محقق شده باشد. از شروط صلح عادلانه و پایدار قربانی شدن برخی خواست‌ها مانند سمبول‌ها، منفعت‌ها، موقعیت‌ها و رعایت عدالت است. واقعا پرسش این‌جا است که طالبان از خواست‌ها، سمبول‌هایی چون امارت اسلامی و جاری شدن عدالت بر مجرمانی که زیر پرچم طالب قرار دارند را می‌پذیرند؟

(ج) صلح لیبرال و یا دموکراتیک
به صلحی اطلاق می‌شود که ارزش‌های دموکراتیک و لیبرالیسم در آن وجود داشته باشد. که طالبان اساساً با این نوع درگیر هستند و نمی‌گذارند که چیزی به نام ارزش‌های دنیا غرب وارد گفتمان امارت اسلامی‌شان شود.

(د) صلح سیاه
این مفهوم از تراوش‌های فکری بنده است. چون صلحی که در آن گفتمان اصلی طالبانیسم و امارت اسلامی باشد، صلح سیاه خواهد بود. در این صلح مردم‌سالاری و نقش تعیین‌کننده‌ی مردم در تصمیم‌ها وجود نخواهد داشت. حاکمیت ملی تحت تأثیر اداره استخباراتی پاکستان خواهد بود.

نتیجه‌گیری:

صلح، یکی از نیازهای دیرینه مردم افغانستان است. اولاً، صلح یک اولویت است و اگر یکی از محورهای بالا به توافق نرسد، صلح به معنای پایان جنگ و یا آمدن ثبات و توازن قدرت نخواهد بود. دوم: صلح در شرایط کنونی حکومت افغانستان، به معنای سپردن قدرت به طالبان و حامیان آن‌ها خواهد بود. به این دلیل که آن‌ها، چه از لحاظ دیپلمات و چه از لحاظ نظامی و سیاسی نسبت به حکومت افغانستان پیشی گرفته‌اند. سوم: با این رویکرد شتاب‌زده، صلح به معنای پایمال شدن مردم‌سالاری و شکل‌گیری امارت اسلامی تحت اداره سایه خواهد بود که لجامش جای دیگری می‌باشد. بهترین کاری که حکومت می‌تواند بکند، این است که گروه جنگ‌آوران طالب را بخرد، چیزی که امریکا با گروه ایدئولوگ طالبان کرد.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت صنعت و تجارت
ریاست عمومی مالی و اداری
ریاست تدارکات
آمریت تسهیل قراردادهای و پلان‌گذاری



موضوع: اعلان پروسه تدارکاتی

وزارت صنعت و تجارت از تمام داوطلبان واجد شرایط اعم از دولتی و خصوصی دعوت

می‌نماید تا در پروسه‌های داوطلبی (۸۱۲۰۰ لیتر پترول ۲۶۶۰۰ لیتر دیزل برای سال مالی ۱۳۹۹) اشتراک ورزیده، شرطنامه پروسه‌های متذکره را بعد از نشر اعلان الی ۲۱ روز تقویمی

از ریاست تدارکات این وزارت اخذ و به روز معینه اشتراک ورزند.

در صورتی که تاریخ آفرگشایی پروسه‌های متذکره به روز رخصتی مصادف گردد، بعد از رخصتی اولین روز کاری آفرگشایی صورت خواهد گرفت.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت صنعت و تجارت
ریاست عمومی مالی و اداری
ریاست تدارکات
آمریت تسهیل قراردادهای و پلان‌گذاری



موضوع: اعلان پروسه تدارکاتی به روش قرارداد چهارچوبی

وزارت صنعت و تجارت از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه‌های

داوطلبی (تهیه و تدارک پروژه‌جات وسایط نقلیه برای سال مالی ۱۳۹۹) اشتراک ورزیده،

شرطنامه پروسه‌های متذکره را بعد از نشر اعلان الی ۲۱ روز تقویمی از ریاست تدارکات این وزارت اخذ و به روز معینه اشتراک ورزند.

در صورتی که تاریخ آفرگشایی پروسه‌های متذکره به روز رخصتی مصادف گردد، بعد از رخصتی اولین روز کاری آفرگشایی صورت خواهد گرفت.



د افغانستان اسلامي جمهوریت
د سیمه ییزو اورگانونو خپلواکه اداره
دشاروالیو معینیت
ولسی ترون پروگرام



Islamic Republic of Afghanistan
Independent Directorate of Local Governance
Deputy Ministry of Municipalities
Citizen's Charter National Priority Program
Procurement Management Unit

اعلان دعوت به داوطلبی

عنوان: پروژه کرایه گیری وسایط برای دفتر مرکزی برنامه ملی میثاق شهروندی

شماره دعوتنامه داوطلبی: IDLG/DMM/CCNPP/NCB/IOC.NO-18-2020-REBID

برنامه ملی میثاق شهروندی ریاست مستقل ارگان های محلی معینیت شاروالی هازتمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می نماید، تا در پروسه داوطلبی پروژه کرایه گیری وسایط برای دفتر مرکزی برنامه ملی میثاق شهروندی اشتراک نموده وکاپی شرطنامه مربوط را به طور سافت از برنامه ملی میثاق شهروندی معینیت شاروالی ها و یا از طریق ایمیل آدرس ذیل و هم چنان از سایت تدارکات ملی و اکبر به دست آورده، آفر های خویش را طور سر بسته از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر مورخ ۲۹ اسد ۱۳۹۹ ارائه نماید.

تضمین آفر به شکل تضمین بانکی مبلغ ۴۵۰,۰۰۰ چهار صد و پنجاه هزار افغانی و جلسه آفر گشایی به ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر ۲۹ اسد ۱۳۹۹ در سالون کنفرانس برنامه ملی میثاق شهروندی ریاست مستقل ارگان های محلی معینیت شاروالی ها تدویر میگردد.

نوت: (۱) پول نقد به عنوان تضمین آفر پذیرفته نمی‌شود.

ایمیل آدرس: u.sultani@ccnpp.org , a.nooragha@ccnpp.org , procurement.

idlg@ccnpp.org , parviz.omarzai@gmail.com

شماره تیلیفون: ۰۲۰۲۲۱۴۰۱۲



صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیرمسول: معجب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com
معاون مدیرمسول: وحید پیمان s.wahid.payman@gmail.com
مسوول اتاق خیر: علی شاه حقمیل
خبرنگاران: خلیل اسیر، عبدالحمد حسینی، حبیب بهش محمدحسین نیک‌خواه

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad, mujib_mehrdad@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

ویراستار: علی نظری، س.نوبین
صفحه آرایی: رضا مرادی و عبدالواسع
مسوول رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت
ویدیو: حسن آذرمهر
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۸۸۸۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰
نشانی پستی: صندوق پستی ۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: جاده شیرپور، ناحیه دهم، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

